

بررسی تطبیقی مراحل شکل‌گیری و عوامل پیدایش سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت اسماعیلیه

جعفر شریفی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان / rokh_8290@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳

چکیده

سازمان‌های «وکالت» امامیه و «دعوت» اسماعیلیه دو نهاد سرّی بودند که هر کدام با هدف انتشار و استمرار فعالیت‌های عقیدتی، سیاسی و تبلیغی خود، در نواحی گوناگون سرزمین‌های اسلامی و در قالب برنامه‌ای منظم و سازمان یافته، با محوریت امامان و سلسله وکلا و داعیان خود به وجود آمدند. ائمه اطهار علیهم‌السلام در عصر حضور برای تسهیل و امکان بهتر ارتباط با شیعیان سازمان «وکالت» را تشکیل دادند و امامان اسماعیلیه نیز با ایجاد سازمان «دعوت» و بهره‌گرفتن از داعیان خود کوشیدند ارتباطی منظم با پیروان خود برقرار کنند. پرسش اصلی مقاله این است که دو سازمان «وکالت» و «دعوت» چه وجوه اشتراک و افتراقی در نوع شکل‌گیری و پیدایش سازمانی داشته‌اند؟ در پاسخ می‌توان گفت: سازمان وکالت امامیه در شرایط خاص تاریخی دوره امام صادق علیه‌السلام به بعد بنا به علل افزایش تدریجی شیعیان، فشار دولت عباسی، دشمنی دیگر رقبا و مخالفان عقیدتی و سیاسی نسبت به آنان، توسط امامان معصوم علیهم‌السلام تشکیل شد. اسماعیلیه نیز با تشکیل سازمان دعوت مدعی امامت منصوب اسماعیل و فرزندش محمد بن اسماعیل، به عنوان امام پس از امام صادق علیه‌السلام شدند و با اهداف سیاسی آشکارتر در راه دست‌یابی به قدرت و خلافت فعالیت کردند.

کلیدواژه‌ها: امامیه، اسماعیلیه، سازمان وکالت، سازمان دعوت.

مقدمه

این پژوهش به صورت تطبیقی چگونگی شکل‌گیری و پیدایش سازمان «وکالت» امامیه و سازمان «دعوت» اسماعیلیه را مطالعه و بررسی می‌کند. شکل‌گیری و پیدایش هر دو سازمان از سوی امامیه و اسماعیلیه به زمینه‌های تشکیل و عوامل مؤثر در پیدایش آنان بازمی‌گردد که موجودیت هر دو سازمان و کوشش در جهت اهداف سازمانی و نیز انگیزه‌های ایجاد و رونق آنان را موجب گردید. سازمان‌های وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه به صورت سری شکل گرفتند و به همان صورت ادامه حیات دادند، با این هدف که بتوانند در نواحی گوناگون سرزمین‌های اسلامی به دور از چشم حاکمان وقت و دیگر دشمنان در جهت اهداف و برنامه‌های خود و در چارچوب اصول عقاید خود فعالیت کنند. مطالعه سازمان وکالت امامیه، که مؤسس آن ائمه اطهار علیهم‌السلام بودند، و مقایسه آن با سازمان دعوت اسماعیلیه، که به موازات عصر ائمه معصوم علیهم‌السلام فعالیت می‌کردند، برای ما شیعیان فوایدی به همراه خواهد داشت؛ از جمله: شناخت بهتر سیره امامان شیعه علیهم‌السلام و الگوهای زندگی سیاسی - اجتماعی آنان.

مقایسه هر دو سازمان نشان می‌دهد: آنان برای تداوم خود و استمرار ارتباط با پیروان کوشش می‌کردند. امامیه با اهداف چندگانه سیاسی - اعتقادی برای هدایت شیعیان، احقاق حق اهل‌بیت علیهم‌السلام، ترویج معارف شیعه و تحکیم عقاید پیروان خود سازمان «وکالت» را تأسیس کردند و به واسطه وکیلان خود به نفوذ و گسترش شیعه در سرزمین‌های اسلامی، از جمله عراق، ایران و برخی نواحی دیگر همّت گماردند. اسماعیلیه نیز با اهداف سیاسی آشکارتر سازمان «دعوت» را به وجود آوردند و برای دستیابی به قدرت و خلافت کوشیدند. آنان در عین حال، به ترویج اصول عقاید خود نیز پایبند بودند.

مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای میان سازمان‌های اجتماعی، اعتقادی و سیاسی «وکالت» و «دعوت» می‌تواند به دریافت بهتر چگونگی شکل‌گیری، انگیزه‌ها، علل پیدایش و موجودیت آنان کمک کند. علاوه بر آن، مطالعات تطبیقی در این موضوع می‌تواند به ترمیم وقایع تاریخی و قضاوت بهتر رویدادها بینجامد. در پژوهش‌های اخیر آثار مستقلى در

موضوعات دو سازمان نوشته شده است. در خصوص سازمان وکالت امامیه می‌توان به قسمت‌هایی از کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، اثر جاسم حسین و کتاب سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، اثر محمدرضا جباری اشاره کرد. در رابطه با اسماعیلیان می‌توان به آثاری از جمله، پیدایش اسماعیلیه، اثر برنارد لوپس و زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان، اثر محمدعلی چلونگر اشاره نمود. البته در زمینه مطالعات تطبیقی، کتابی با عنوان بررسی تطبیقی سازمان وکالت امامیه و دعوت عباسیان، اثر محمدکاظم ملبوبی و محمدرضا جباری و مقاله بررسی تطبیقی اهداف و اصول سازمان وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه، توسط نگارنده نوشته شده است.

این مقاله می‌کوشد با مطالعه، توصیف و تحلیل وقایع تاریخی موضوع، وجوه اشتراک و افتراق سازمان «وکالت» امامیه و «دعوت» اسماعیلیه را در زمینه چگونگی شکل‌گیری و عوامل پیدایش آنها بررسی کند تا با کمک استنادات به دست آمده به این سؤال پاسخ دهد که دو سازمان «وکالت» و «دعوت» چه وجوه اشتراک و افتراقی در چگونگی شکل‌گیری و عوامل پیدایش خود داشته‌اند؟ البته در زیرمجموعه این پرسش اصلی، برخی سؤالات فرعی نیز قابل طرح است؛ از جمله اینکه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پیدایش سازمان «وکالت» امامیه و «دعوت» اسماعیلیه چه بوده است؟ این دو سازمان با شکل‌گیری و پیدایش خود چه تأثیراتی بر فضای موقعیتی جامعه زمان خود داشته‌اند؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، در بیان فرضیه این پژوهش تاریخی باید گفت: وجوه اشتراک و افتراقی میان سازمان‌های وکالت «امامیه» و «دعوت» اسماعیلیه در شکل‌گیری و چگونگی پیدایش وجود داشته است. از یک سو، با بررسی اسناد و مدارک تاریخی و دریافت مستندات، علاوه بر بیان وجوه اشتراک و افتراق، در پاسخ‌گویی به سؤال اصلی تحقیق، کوشش خواهد شد و استنادات و استدلال‌هایی دال بر پاسخ‌گویی به برخی سؤالات فرعی ارائه خواهد گردید؛ از جمله اینکه با فرض احتمال، موقعیت، ریشه و پیشینه خانوادگی، اهداف و زمینه‌های مساعد برای فعالیت، از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پیدایش این دو سازمان بوده است و نیز فرض احتمال تلاش برای رسیدن به اهداف، لزوم

ارتباط با پیروان و انجام امور آنان، کوشش برای حفظ موجودیت پیروان امامیه در برابر اختناق و فشار سیاسی بنی‌عباس و زمینه‌سازی عصر غیبت از سوی سازمان وکالت که توانست تأثیراتی قابل توجه بر فضای موقعیتی شیعه و جامعه‌ی زمان خود داشته باشد. برای سازمان دعوت اسماعیلیه نیز ایجاد تحرک در میان گروه‌های متعدد شیعه، جذب پیروان، افزایش قدرت، رونق فعالیت سیاسی و هموار شدن راه خلافت و تأکید بر اصول عقاید خود قابل توجه بوده است. بر این اساس، این فرضیه قابل طرح است که شکل‌گیری و پیدایش هر دو سازمان بنا به مجموعه‌ای از عوامل به وجود آمده‌اند.

این پژوهش علاوه بر پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق و صحت و سقم فرضیات، می‌کوشد مطالعه و پژوهش تطبیقی خود را بر اساس داده‌های تاریخی، بررسی و تبیین نماید. روش تحقیق در این مقاله روش «تطبیقی گونه‌شناسانه» است که در آن بر پایه‌ی مستندات تاریخی، توصیفی از دو سازمان و تحلیلی بر مبنای داده‌های موجود برای رسیدن به پاسخ صورت خواهد گرفت.

با توجه به عنوان مقاله (بررسی تطبیقی چگونگی شکل‌گیری و پیدایش سازمان‌های وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه) لازم است در جهت نظم شکلی و محتوایی، مقاله حاضر را ابتدا در دو بخش با عناوین «شکل‌گیری و عوامل پیدایش سازمان وکالت امامیه» و «شکل‌گیری و عوامل پیدایش سازمان دعوت اسماعیلیه» مطرح کنیم و سپس بر اساس داده‌های توصیفی - تحلیلی بخش اول و دوم، آنها را به صورت تطبیقی تجزیه و تحلیل نماییم.

شکل‌گیری و پیدایش سازمان وکالت امامیه

۱. شکل‌گیری سازمان وکالت امامیه

امامان معصوم علیهم‌السلام در عصر حضور برای فعالیت‌ها و اهداف خود در ارتباط با پیروان خویش سازمان وکالت را تشکیل دادند که بنا به نظر برخی منابع شیعه و دیدگاه برخی از پژوهشگران جدید، زمان تأسیس آن در عصر امام صادق علیه‌السلام و توسط ایشان (طوسی،

۱۴۱۷، ص ۲۰۹-۲۱۰) و خاتمه آن در زمان پایان غیبت صغرا بوده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۲-۲۴۳ / صدوق، ۱۳۵۹، ص ۵۱۶) این سازمان که طی دوره مزبور و بنا به اقتضای زمان به کار خود ادامه داد و به لحاظ کارکرد و گستره فعالیت مراحل را طی کرد. سازمان وکالت امامیه به لحاظ سیر تاریخی از آغاز تا خاتمه پنج مرحله را سپری کرده است:

مرحله اول آغاز شکل‌گیری که بنا به نقل منابع بالا از زمان امام صادق علیه السلام و بین سال‌های ۱۲۵-۱۳۷ق شروع شد که در ادامه تشریح می‌گردد.

مرحله دوم از زمان امام کاظم علیه السلام که دوره انسجام و گسترش فعالیت سازمان توسط ایشان بود (جباری، ۱۳۸۲، ص ۴۷) و تا دوره امام جواد علیه السلام ادامه یافت.

مرحله سوم دوره امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام است، هرچند در این دوره خلفای عباسی فضای سخت‌گیرانه‌ای ایجاد کرده بودند و امامان علیهم السلام را زیر نظر داشتند، ولی با تلاش آنان سازمان وکالت سیر تکامل خود را ادامه داد و راه را برای ورود به عصر غیبت صغرای امام زمان علیه السلام مهیا کرد. (جباری، ۱۳۸۲، ص ۵۵)

مرحله چهارم اوج فعالیت سازمان وکالت در دوره غیبت صغرا (۲۵۵-۳۲۹ق) است. مرحله پنجم دوره خاتمه سازمان وکالت با آغاز غیبت کبرا (۳۲۹ق) است که با توقیع آخر امام زمان علیه السلام و درگذشت نایب چهارم (علی بن محمد سمری) صورت گرفت. (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۲-۲۴۳ / صدوق، ۱۳۵۹، ص ۵۱۶)

در این مقاله با توجه به موضوع، که مربوط به شکل‌گیری سازمان وکالت است، به بررسی مرحله اول، که همان مرحله شکل‌گیری است، می‌پردازیم. با بررسی آثار مرتبط با موضوع، از نویسندگان معاصر، برخی امام صادق علیه السلام (جباری، ۱۳۸۲، ص ۴۷ / حسین، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴ و ۲۱۴) و برخی امام کاظم علیه السلام (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۵۸۸ / مدرس‌ی طباطبائی، ۱۳۹۵، ص ۴۰-۴۱) را پایه‌گذار سازمان وکالت می‌دانند. شیخ طوسی در کتاب الغیبه به وکلای امام صادق علیه السلام، از جمله: حمران بن اعین، مفضل بن عمر جعفی، معلی بن خنیس، نصر بن قابوس لخمی و عبدالرحمن بن حجّاج اشاره کرده است، (طوسی، ۱۴۰۷،

ص ۲۰۹-۲۱۰) هر چند نسبت به حمران بن اعین و مفضل بن عمر جعفری تصریح در عنوان «وکالت» ننموده، ولی با توجه به عنوان فصل (معرفی وکلای ممدوح ائمه اطهار علیهم‌السلام پیش از عصر غیبت)، می‌توان دریافت که وی در صدد برشمردن وکلای ممدوح امامان علیهم‌السلام بوده است. بر این اساس، تصریح شیخ طوسی به وکالت این پنج تن برای امام صادق علیه‌السلام جای تردید باقی نمی‌گذارد که - دست کم - پی‌ریزی و شکل‌گیری سازمان وکالت مربوط به دوره ایشان و گسترش فعالیت آن در دوره امام کاظم علیه‌السلام بوده است.

چنان که گفته شد، شیخ طوسی، حمران بن اعین را از وکلای ممدوح دانسته که هم شاگرد امام باقر علیه‌السلام و هم امام صادق علیه‌السلام بوده است. پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام فضای سیاسی حاکم بر جامعه توسط بنی‌امیه، امام سجّاد علیه‌السلام را در محدودیت شدیدی قرار داده بود، ولی با این حال، ایشان موفق به حفظ بقای شیعه شدند و زمینه را برای فعالیت‌های آینده امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام فراهم کردند. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۱) در زمان امام باقر علیه‌السلام با توجه به تداوم جوّ خفقان بنی‌امیه و تعداد کم شیعیان راستین و مسائل و مشکلات مالی و معیشتی آنان، زمینه‌های لازم برای تشکیل سازمان وکالت به وجود نیامد. (جباری، ۱۳۸۲، ص ۴۷)

شواهد تاریخی به استناد کتاب الغیبه شیخ طوسی - چنان که گفته شد - به برخی وکلای امام صادق علیه‌السلام، از جمله معلی بن خنیس در مدینه و عبدالرحمن بن حجّاج اشاره کرده است. (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۴۷) از ایشان نیز نقل است که نصر بن قابوس بیست سال وکیل امام صادق علیه‌السلام بوده است. (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۴۷) همچنین در توجه به این نکته (شکل‌گیری سازمان وکالت در دوره امام صادق علیه‌السلام)، می‌توان به ماجرای حساب‌رسی امام صادق علیه‌السلام از یکی از وکلایش اشاره نمود که ایشان وکیل خود را به سبب خیانت در اموال مواخذه کردند. (حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۳، ص ۲۹۱) با توجه به تعبیر «احد من وکلائه» در این روایت می‌توان دریافت که امام علیه‌السلام وکلای متعددی داشته و بر کار آنان نیز نظارت دقیق می‌کرده، به گونه‌ای که در صورت خیانت آنان، این امر بر ایشان پوشیده نمی‌مانده است.

با توجه به استنادات و شواهد تاریخی بالا، به چند نکته اشاره می‌کنیم که می‌تواند مؤید شکل‌گیری سازمان وکالت در دوره امام صادق علیه السلام بنا به اقتضای زمان باشد.

الف. دوره امام صادق علیه السلام دوره پر التهاب رقبای مختلف در جناح‌بندی شیعه بود؛ از یک سو، نوادگان امام حسن علیه السلام مدعی رهبری شیعه و مهدویت محمد نفس زکیه بودند و از سوی دیگر، بنی‌عباس با تأسیس سازمان «دعوت» و شعار «الرضا من آل محمد» کوشش در جذب پیروان داشتند و با ایجاد حکومت نوپای خود بر عوامل اختلاف میان شیعیان می‌افزودند. در همین زمان نیز با ظهور جریان زیدیه و شعارهای انقلابی آنان گروهی از شیعیان سیاسی و تندرو جذب آنان شدند که همه این عوامل تأثیرات ناهنجار و نسبتاً عمیقی بر شیعه به جای گذاشت. (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۵۸۸) غالبان نیز برای نفوذ بیشتر در شیعیان کوشش می‌کردند و بیم آن می‌رفت که جریان‌های بدعت‌آمیز دیگری نیز ظهور کنند و عده‌ای از شیعیان را جذب نمایند. امام صادق علیه السلام نیز برای حفظ و استمرار معارف اهل‌بیت علیهم السلام و بقای امامیه نیات همه این جریان‌ها را برای پیروان واقعی خود تشریح کردند و شیعیان را از نشست و برخاست با این جریان‌های بدعت برحذر داشتند. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۳۱۵) بنابراین، با اقتضای چنین شرایطی امام صادق علیه السلام با هدف بقا و حفظ شیعیان امامی و گسترش عقاید آن، اقدام به تأسیس سازمان «وکالت» کرد.

ب. بنی‌عباس به صورت جدی بر فعالیت‌های امام صادق علیه السلام در مدینه نظارت داشتند و می‌کوشیدند مانع ارتباط ایشان با پیروان نواحی دیگر شوند. (حسین، ۱۳۸۶، ص ۶۴) بنابراین، با توجه به سخت‌گیری‌های بنی‌عباس و پراکندگی و گسترش شیعیان در اقصا نقاط سرزمین‌های اسلامی و لزوم ارتباط مؤثر امام علیه السلام با آنان، ضروری بود که ایشان شبکه‌ای از وکلای معتمد خود را به صورت سری تشکیل دهد (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۳۳۳) تا بتواند با شیعیان نواحی گوناگون ارتباط داشته و به نیابت از امام علیه السلام، پاسخ‌گوی مسائل عقیدتی، فقهی و دیگر سؤالات آنان باشد.

به عبارت دیگر، با توجه به وضعیت عمومی شیعیان در دوره امام صادق علیه السلام و پراکندگی و گستردگی نسبی نواحی شیعه نشین، می‌توان به ضرورت تأسیس چنین سازمانی

پی برد، هر چند امام صادق علیه السلام وارث وضعیت حاکم بر دوران پدر و جدّ بزرگوارش بود و شیعه (شیعه اعتقادی) به علت جوّ خفقان نتوانسته بود از رشد و گسترش لازم بهره‌مند شود. با این حال، قرآینی از گسترش نسبی شیعه در عصر امام صادق علیه السلام و تعدد مناطق شیعه‌نشین در عالم اسلامی آن روزگار حکایت دارد. برای نمونه، می‌توان از جمله زید بن علی بن حسین علیه السلام خطاب به امام صادق علیه السلام مبنی بر تصرف امام در اموال شرق و غرب، هم گسترده‌تر شدن محدوده حضور شیعیان و هم ارتباط میان ایشان و شیعیان را در نواحی گوناگون، از جمله در برخی نواحی عراق، ایران، یمن و مصر استنباط نمود. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۲۰ و ۲۲۵)

ج. دولت بنی‌عباس با استبداد تمام و بنا به انگیزه‌های عقیدتی، سیاسی و رقابتی به اعمال فشار علیه علویان، حتی بدتر از دوران بنی‌امیه اقدام کردند و فعالیت‌های امام صادق علیه السلام در جمع‌آوری خمس به صورت پنهانی از پیروان را نوعی آمادگی در براندازی حکومت خود تلقی نمودند. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۰۳ / امین، ۱۹۵۶، ج ۳، ص ۲۸۱)

د. اصل نهران‌کاری و تقیه و تأکیدات امام صادق علیه السلام بر آن دلیل آشکاری بر فشار سیاسی بنی‌عباس نسبت به شیعیان بود. خطر هجوم بر شیعه چنان نزدیک بود که امام علیه السلام برای حفظ آنان ترک تقیه را برابر با ترک نماز دانست (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۵۴-۲۵۵) و مدام بر حفظ اسرار از سوی پیروان تأکید داشت (حرّ عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۹، ص ۴۶۵) بر اساس این شواهد می‌توان اذعان داشت که امام علیه السلام تشکیلاتی سرّی داشت و می‌کوشید ماهیت آن و فعالیت‌هایش از نفوذ خلفا، رقبا و مخالفان پوشیده و در امان باشد.

بنا بر استنادات بالا، شکل‌گیری و تأسیس اولیه سازمان وکالت - دست‌کم - در شکل یک سازمان ابتدایی توسط امام صادق علیه السلام صورت گرفت و گسترش و انسجام آن از دوره امام کاظم علیه السلام خود را نشان داد.

بنا به ماهیت سازمان عقیدتی، سیاسی و اجتماعی وکالت و ویژگی سرّی بودن آن، نمی‌توان زمان دقیق آغاز آن را مشخص کرد، ولی با توجه به وضعیت سیاسی حاکم بر عصر

امام صادق علیه السلام و دوره انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس، شرایط مناسبی برای امام صادق علیه السلام فراهم آمد تا به حفظ، انسجام و گسترش شیعه امامیه اقدام کند. براین اساس بهترین زمان برای تأسیس سازمان وکالت میان سال‌های ۱۲۵ق، همزمان با مرگ هشام بن عبدالملک بود (طبری، ۱۹۸۶، ج ۷، ص ۲۰۰) که پس از او دولت اموی با بحران جانشینی و قیام‌های متعدد روبه‌رو شد که تا سال ۱۳۷ق و تثبیت عباسیان و همزمان با خلافت منصور ادامه یافت.

به عبارت دیگر، این دوره انتقالی امام صادق علیه السلام فرصت خوبی برای فعالیت‌های علمی و فرهنگی، برپایی مجالس درسی، دفاع از عقاید امامیه و تربیت شاگردان پیش آمد. (پیشوایی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۳-۳۵۴) ایشان برای حفظ شیعه و ارتباط با آنان، که به صورت پراکنده در سرزمین‌های اسلامی به تدریج در حال افزایش بودند، سازمان وکالت را ایجاد کرد و استقرار وکلای ایشان در مناطق عراق، جزیره‌العرب، ایران و شمال آفریقا حاکی از شکل‌گیری و فعالیت این سازمان بود. (جباری، ۱۳۸۲، ص ۷۱ و ۱۴۹) و بدین وسیله توانست در برابر سخت‌گیری‌های منصور، خلیفه عباسی، از موقعیت شیعیان صیانت کند.

۲. عوامل پیدایش سازمان وکالت امامیه

الف. تلاش برای رسیدن به اهداف

ائمه اطهار علیهم السلام بنا به اقتضای زمان برای رسیدن به اهداف از روش‌ها و امکانات گوناگونی بهره می‌بردند. از منظر امامیه، شأن و مقام ائمه معصومین علیهم السلام معیار شناخت هدایت و ضلالت و ایمان و کفر است. بنابراین، از مهم‌ترین اقدامات همه امامان ابلاغ دین و تأکید بر ارشاد و تربیت دینی پیروان بود. با بررسی زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام روشن می‌شود که آنان امامت و خلافت را حق خود می‌دانستند که از سوی دیگران غصب شده بود. بخش زیادی از دوره امام صادق علیه السلام به درگیری‌ها، قیام‌ها و مبارزات مسلحانه مدعیان در مبارزه با بنی‌امیه سپری شد. هرچند میل قلبی امام صادق علیه السلام تحقق حکومت الهی بود، ولی به لحاظ

عملی، فکری و شناخت، اُمّت را آماده این شرایط نمی‌دانست. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۴۲) بنابراین، برای تحقق اهداف به بنیاد پایگاهی مرکزی و مردمی و نظارت بر آن دست زد (ادیب، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷) تا بتواند ارتباط خود و شیعیان را فراهم سازد. به طور کلی، می‌توان گفت که اهداف امامیه از ایجاد سازمان وکالت عبارت بود از:

الف. هدایت سیاسی شیعیان و در صورت امکان احقاق حق خلافت اهل‌بیت علیهم‌السلام؛

ب. صیانت از شریعت شیعه، ترویج معارف و تحکیم پایه‌های اعتقادی شیعیان؛

ج. برقراری ارتباط با شیعیان و جمع‌آوری منابع مالی.

در دوره انتقالی خلافت از بنی‌امیه به بنی‌عباس، رهبری امامیه را امام صادق علیه‌السلام عهده‌دار بود. با توجه به جایگاه ایشان بسیاری انتظار داشتند قبل از استقرار عباسیان، امام علیه‌السلام برای به دست گرفتن خلافت و ایفای نقش سیاسی پیش‌قدم شود؛ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۳۶۲) ولی ایشان علاوه بر آنکه در فعالیت‌های سیاسی و مسلحانه شرکت نکرد، به پیروانش نیز اجازه چنین کاری نداد؛ (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۲۱-۲۲۶) زیرا ایشان به دنبال جذب شیعیان سیاسی کار و بهره‌برداری از جریان‌های چندروزه بی‌سرانجام نبود. امامیه با ترویج اعتقادات خود و تأسیس سازمان «وکالت»، برای رسیدن به اهداف چندگانه سیاسی - اعتقادی تلاش می‌کرد و بر این اساس در صدد جذب افراد جدید (شیعیان اعتقادی) به مکتب امامیه برآمد. امامیه صرفاً هدف خود را رسیدن به خلافت نمی‌دانست و حتی امام صادق علیه‌السلام به صراحت می‌فرمود: او قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست و در روزگار وی تغییری در وضع سیاسی جامعه شیعه رخ نخواهد داد، (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۶۳) بلکه اولویتش ترویج اعتقادات شیعه و تحکیم مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام بود. ائمه اطهار علیهم‌السلام در قاموس رسالت الهی خود و بنا به اقتضای زمان، با روش خود همواره یادآور حق اهل‌بیت بود؛ چنانکه در روایت سدید علت قیام نکردن امام صادق علیه‌السلام کمبود یاران واقعی عنوان شده (کلینی، ۱۴۰۱، ص ۲۴۲) و اصل ولایت و حکومت از مهم‌ترین اصول اسلام برای اجرای احکام دین و هدایت جامعه قلمداد شده است (حرّ عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۷-۸) که با ارتقای آگاهی اُمّت باید زمینه‌های آن فراهم شود.

ب. اختناق و فشار سیاسی از سوی عباسیان

ائمه اطهار علیهم‌السلام و شیعیان ایشان، چه در دوره بنی‌امیه و چه بنی‌عباس، تحت فشار حاکمان بودند، هرچند در زمان‌های گوناگون فشارهای سیاسی بر ایشان متفاوت بود. به علت موقعیت امامان علیهم‌السلام و ظرفیت خاندانی، ارزشی، اعتقادی و سیاسی آنان، همواره از سوی خلفا و عواملشان تحت نظر، اختناق و فشار بودند. مسعودی می‌نویسد: علی بن الحسین علیه‌السلام امامت را به صورت مخفی و با تقیه شدید و در زمانی دشوار عهده‌دار گردید. (مسعودی، ۱۳۷۳ق، ص ۱۶۷) بخشی از دوره امام صادق علیه‌السلام مصادف با اواخر بنی‌امیه و آغاز بنی‌عباس بود و بنابراین، آنان فرصت اعمال فشار و اختناق را نداشتند؛ ولی بخش دیگر امامت ایشان از سال ۱۳۵ق به بعد و مصادف با دوره منصور و استقرار خلافت عباسی بود. در این دوره، سخت‌گیری‌های بی‌حد و حصر نسبت به امام علیه‌السلام، شیعیان و به طور کلی، علویان افزایش یافت. عباسیان با توجه به شناخت زیادی که در مسیر دعوت خود نسبت به امامان معصوم علیهم‌السلام پیدا کردند، مبانی فکری و ظرفیت سیاسی آنان را مد نظر داشتند و می‌دانستند که علویان مدعی جانشینی حضرت علی علیه‌السلام به عنوان خلیفه بر حق هستند. بنابراین، با دقت بیشتری آنان را تحت نظر داشتند. از سوی دیگر، پیش‌بینی امام صادق علیه‌السلام مبنی بر روی کار آمدن بنی‌عباس (اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۶۷) و شناختی که از اهداف و سیاست‌های آنان داشت موجب شد تدابیری برای روبه‌رو شدن با سیاست‌های آنان بیندیشد که از جمله این تدابیر، تشکیل سازمان «وکالت» بود.

تأکیدهای ائمه معصوم علیهم‌السلام بر تقیه، از جمله دلایل آشکار وجود اختناق دستگاه خلافت بود. در دوره منصور، فشار و اختناق بر شیعه به حدی رسید که آنان بدون اعتنا از کنار هم رد می‌شدند. (حرّ عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۹، ص ۳۲) امام کاظم علیه‌السلام در دوره خلیفه مهدی متهم به تحریک حسنین در قیام «فخ» شد، او را زندانی کردند و در ادامه وی مجبور شد نزد مهدی سوگند بخورد که علیه او قیام نمی‌کند. (اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۰۰) دوره هارون الرشید نیز بر شدت فشارها علیه امام کاظم علیه‌السلام و شیعیان افزوده شد و به حدی

شدید و گسترده شد که باید با دوره‌هایی همانند متوکل مقایسه شود. (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۳۹۱) این روش خلفای عباسی همچنان در دوره‌های بعد ادامه یافت و نظارت‌ها و فشارها بر امام هادی علیه السلام در دوره متوکل بیشتر گردید تا اینکه ایشان را به اجبار از مدینه به سامرا آورد تا تحت نظر باشد. (مفید، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۲۷) در دوره امام حسن عسکری علیه السلام نیز سخت‌گیری‌ها به حدی بود که ایشان به شیعیان می‌فرمود: هنگام عبور من به سمت دارالخلافة سلام و حتی اشاره هم نکنید؛ زیرا از دست مأموران عباسی در امان نیستید. این روایت نشان می‌دهد که تا چه حد امام و پیروان ایشان تحت کنترل بودند. بنابراین، از این به بعد و تا پایان غیبت صغرا بهترین راه ارتباطی شیعیان با امام از طریق مکاتبه بوده است. (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰) به سبب فشار و نظارت شدید عباسیان بر امامان معصوم علیهم السلام، ارتباط مستقیم ایشان با پیروان دارای خطر و گاهی غیرممکن بود. بنابراین، سازمان «وکالت» راه‌کار مناسبی برای کاهش ارتباط مستقیم با ایشان بود و وکلا رابط میان ایشان و شیعیان بودند. (جباری، ۱۳۸۲، ص ۴۱)

ج. زمینه مساعد برای فعالیت

پس از واقعه کربلا شیعیان در بدترین شرایط از لحاظ کمی و کیفی و نیز موقعیت سیاسی و اعتقادی قرار گرفتند. کوفه، که مرکز گرایش‌های شیعی بود، به مرکزی برای سرکوبی شیعه تبدیل گردید، محمد بن نصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «ارتد الناس بعد قتل الحسين علیه السلام الا ثلاثة: ابو خالد کابلی، یحیی بن ام الطویل و جبیر بن معطم، ثم الناس لحقوا و کثروا.» (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۱۲۳) در چنین شرایطی که تصور نابودی شیعه می‌رفت، امام سجاد علیه السلام در عین اختناق بنی‌امیه کوشش‌های خود را برای زنده نگه داشتن تشیع به کار بست. دوره امام باقر علیه السلام نیز مصادف بود با ادامه فشارهای بنی‌امیه بر شیعیان که عمدتاً در عراق در برخی جاهای دیگر، همانند مکه بودند. نقل می‌کنند یکی از شیعیان مکه به نام ابن میمون در محضر امام باقر علیه السلام گفت: «ما چهار نفریم» (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۱۲۳) که

البته این مربوط به شیعیان خالص (اعتقادی) است؛ اما در این شرایط سخت سیاسی، با توجه به اختناق حاکم بر جامعه، کمی شمار شیعیان اعتقادی و فقر مالی آنان، از جمله عواملی بود که شرایط تأسیس سازمان وکالت را فراهم نیاورد.

اما در دوره امام صادق علیه السلام، به علت مشغول بودن بنی‌امیه با قیام‌های گوناگون و در ادامه، درگیری با عباسیان، فضای مساعدی برای فعالیت‌های امام علیه السلام و گسترش تشیع ایجاد شد؛ چنان‌که جاسم حسین به نقل از جواد علی می‌نویسد: امام صادق علیه السلام نخستین امامی است که نظام زیرزمینی ارتباطات (التنظیم السری) را تأسیس کرد. (حسین، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴)

د. فعالیت‌های تبلیغاتی رقبای داخلی

با مرگ ولید بن یزید، ضعف دولت بنی‌امیه بیشتر آشکار شد و با حرکت‌های مخالفت‌آمیز و یا براندازانه مشخص‌تر، به تدریج در سرایشی زوال افتاد. از جمله این حرکت‌ها شاخه‌های متعدد علوی بودند که هر کدام با توجیهاتی ادعای شایستگی رهبری جامعه اسلامی را داشتند و در حال ترویج مفاهیمی بودند که با آموزه‌های امامیه متفاوت بود. برای مثال، کسی در محضر امام صادق علیه السلام به نقل از زیدیه امام را متهم به اعتقاد نداشتن به جهاد نمود، امام علیه السلام در جواب فرمودند: «سوگند یاد می‌کنم که به جهاد در راه خدا اعتقاد دارم، ولی علم خود را در مقابل جهل آنان قرار نمی‌دهم.» (حرّ عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۱، ص ۳۲) در این میان، شیعیان زیدی و حسنی به طرف محمد نفس زکیه گرایش یافتند. عبدالله بن معاویه، نبیره جعفر بن ابی‌طالب، قیام کرد. او بنا به نقلی خود را به کیسانیه نسبت می‌داد. (جعفری، ۱۳۸۷، ص ۳۱۵) عباسیان، که وارث تشکیلات ابوهاشم رهبر کیسانیه شدند، (مسعودی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۲۴) محتاطانه و با تدابیر سازمانی و سیاسی خود با شعار مبهم «الرضا من آل محمد» در پی جذب طیف‌های گوناگون دوستدار اهل بیت علیهم السلام و پیشرفت کار خود بودند. (طبری، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۲۴) پیش‌بینی امام صادق علیه السلام درباره به

خلافت رسیدن عباسیان (اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۸۶) نشان می‌دهد که ایشان از اهداف و سیاست آنان آگاه بود. ائمه اطهار علیهم‌السلام و شیعیان ایشان از دوره امام سجّاد علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام به علت سخت‌گیری‌های بنی‌امیه و امام صادق علیه‌السلام به علت دوره انتقالی از بنی‌امیه به بنی‌عباس، هر کدام بنا به اقتضای زمان، سیاست تقیه را در پیش گرفتند.

امام صادق علیه‌السلام با آگاهی از اهداف قیام‌های مدعیان و نیز پیش‌بینی سخت‌گیری‌های عباسیان بر تشیع پس از استقرار، کوشید مسیر خود و پیروانش را از بازی‌های سیاسی و حرکت‌های انحرافی جدا سازد و در جواب برخی پیروان که هنگام قیام عباسیان و ظهور پرچم‌های سیاه گفتند اوضاع را چگونه می‌بینید، امام علیه‌السلام فرمود: «در خانه‌های خود بنشینید و هرگاه دیدید ما گرد مردی جمع شده‌ایم با سلاح به سوی ما بشتابید.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۱۳۸-۱۳۹)

ه. لزوم ارتباط با پیروان و انجام امور آنان

گسترده‌ی پیروان ائمه معصوم علیهم‌السلام و وسعت جریان تشیع و در نتیجه، افزایش روزافزون و نیز پراکندگی آنان در نواحی گوناگون حاصل تلاش ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه از دوره امام صادق علیه‌السلام به بعد بود. اینکه تعداد محدثان و شاگردان روایت‌کننده از امام صادق علیه‌السلام را چهار هزار تن گفته‌اند، می‌تواند گویای رشد کمی شیعه در این دوره باشد. همچنین بخش عمده‌ای از فضای گرایش به شیعه در این دوران نارضایتی از بنی‌امیه و مهاجرت علویان به نواحی گوناگون بود که این شرایط ارتباط میان امامان و پیروان را دشوار می‌کرد. نواحی شیعه‌نشین در قرن اول هجری محدود به برخی از نواحی عراق، حجاز و یمن بود، ولی طی قرن دوم به ایران، شمال آفریقا، ماوراءالنهر و برخی نواحی دیگر گسترش یافت. (جباری، ۱۳۸۲، ص ۷۱ به بعد) بنابراین، حمل اموال از خراسان و ری برای امام صادق علیه‌السلام توسط دو مرد خراسانی (جباری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷ به بعد) و ذکر نام اصحاب ائمه علیهم‌السلام که منسوب به شهرهای گوناگون بودند، حاکی از گسترش شیعه در نواحی متعدد است. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۰، ۱۶۱ و ۲۷۰)

و. جمع‌آوری منابع مالی

ائمه اطهار علیهم‌السلام از زمان امام صادق علیه‌السلام هدایای مالی از شیعیان خود دریافت می‌کردند. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۹۵، ص ۴۵) دریافت این منابع مالی، از جمله خمس (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴)، زکات، نذورات و دیگر هدایا، که از سوی وکیلان ایشان دریافت می‌شد، حساسیت عباسیان را برمی‌انگیخت؛ زیرا آن را گامی در جهت براندازی حکومت خود می‌دانستند. بنابراین، می‌کوشیدند آن حضرت را در مدینه و پیروانش را در دیگر نواحی تحت نظر داشته باشند. با افزایش شیعیان از دوره امام صادق علیه‌السلام به بعد و پراکندگی آنان در نواحی گوناگون، هم منابع مالی وهم نیازهای مالی زیاد شدند و در نتیجه؛ لازم بود در شرایط خفقان عباسیان، سازمانی مخفی ایجاد شود تا بتواند منابع مالی شیعیان را به امام علیه‌السلام برساند. این وظیفه را وکلای ایشان انجام می‌دادند. از سوی دیگر، وظیفه توزیع آن را در جهت اهداف سازمان نیز عهده‌دار بودند. اهمیت جمع‌آوری منابع مالی در شرح وظایف سازمان وکالت تا آن اندازه بود که برخی نویسندگان آن را هدف اصلی تأسیس سازمان می‌دانند. (حسین، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴)

در سال ۱۴۷ق منصور عباسی دستور داد امام صادق علیه‌السلام را به دربار بیاورند و در آنجا ایشان را چندبار بازخواست کرد؛ از جمله اینکه چرا مردم عراق ایشان را به عنوان امام پذیرفته و به او زکات می‌دهند. امام علیه‌السلام آن را هدایای شیعیان خود عنوان کرد. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۹۵، ص ۴۵-۴۶) بنابراین، تا قبل از امام جواد علیه‌السلام به دلیل سیاست سخت‌گیرانه عباسیان خمس و زکات به صورت علنی دریافت نمی‌شد و اگر هم علنی می‌شد امام علیه‌السلام آن را هدایای شیعیان به خود می‌خواند. (جباری، ۱۳۸۲، ص ۵۱) حتی بنا به روایاتی از ائمه معصوم علیهم‌السلام در این زمان خمس از شیعیان گرفته نمی‌شد. (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۳۶ و ۱۳۸) به هرروی، آنان با استفاده از سازمان وکالت می‌توانستند با شیعیان ارتباط مالی و هدایتی داشته باشند.

ز. دشواری ارتباط شیعیان با امامان معصوم علیهم‌السلام

عباسیان با حساسیت، فعالیت‌های سیاسی، مذهبی و فکری شیعیان را دنبال می‌کردند و آنها را همواره تهدیدی برای موقعیت خود می‌دانستند. (اشعری قمی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۶۹) منصور به سخت‌گیری‌های خود بر امام صادق علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام ادامه داد. دیگر امامان علیهم‌السلام نیز تحت نظارت شدید و سخت‌گیری بودند. (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۹۹ و ۱۰۴) بنابراین، در چنین شرایطی لازم بود سازمانی برای انجام امور شیعیان در ارتباط با امامان معصوم علیهم‌السلام تشکیل شود تا بتواند در برابر دستگاه نظارتی شدید عباسی شیعه‌امامی را از خطر نابودی محافظت کند.

ح. زمینه‌سازی برای عصر غیبت

روایات فراوانی به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام درباره غیبت قائم آل محمد علیه‌السلام آمده که در میان امامیه یک اصل بدیهی و ضروری است. بنابراین، امامان علیهم‌السلام با نزدیک شدن عصر غیبت به تدریج شیعیان را برای ورود به آن آماده می‌کردند. (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۵۷۶) امام صادق علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام مطمئن بودند که سازمان وکالت می‌تواند در آینده مهم‌ترین مرجع رسیدگی به امور شیعیان باشد. از این رو، با ایجاد سازمان وکالت زمینه استفاده از آن را برای عصر غیبت صغرا فراهم کردند. دیگر امامان شیعه نیز با ایجاد شرایط مشابه، مسیر آشنایی شیعیان با عصر غیبت را مهیا ساختند. از مشخصات بارز عصر غیبت آن بود که شیعیان تنها از طریق باب حضرت حجت (عج) امکان ارتباط با آن حضرت را داشتند و برای طرح مشکلات خود باید آنها را به صورت مکتوب به وکلا و ابواب حضرت تحویل می‌دادند و سپس پاسخ را در قالب توقیعات دریافت می‌کردند. این شیوه هرچند در دوره سایر امامان علیهم‌السلام هم اعمال می‌شد، ولی در عصر امام هادی و امام حسن عسکری علیه‌السلام، که شیعیان در آستانه ورود به عصر غیبت بودند، تشدید شد. (جباری، ۱۳۸۲، ص ۵۶)

شکل‌گیری و پیدایش سازمان دعوت اسماعیلیه

۱. شکل‌گیری سازمان دعوت اسماعیلیه

شکل‌گیری سازمان دعوت اسماعیلیه، پس از امام صادق علیه السلام و سال ۱۴۸ق. به بعد بوده است. ما در اینجا، با توجه به سیر تحولات شکل‌گیری اسماعیلیه نخستین و چگونگی ایجاد سازمان «دعوت» اسماعیلی و پیشرفت آن را می‌توانیم به چند مرحله تقسیم کنیم:

الف. دوره اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام، که تفکرات سیاسی شکل‌گیری فرقه اسماعیلیه را دربر می‌گیرد.

ب. دوره محمد بن اسماعیل از ۱۴۸ق تا حدود ۱۷۹ق؛ آغاز بخش اول دوره ستر و پیدایش سازمان دعوت اسماعیلی که محمد در عین اختفای از تعقیب و سیاست عباسیان، ارتباط خود را با مبارکه، که از پیروان او بودند، و پایگاهشان در کوفه حفظ نمود. (دفتری، ۱۳۸۸، ص ۵۱-۵۲)

ج. دوره عبدالله اکبر تا عبیدالله (عبدالله) مهدی (پس از ۱۷۹ق الی ۲۸۶ق) که بخش دوم دوره ستر و یا استمرار آن پس از محمد بن اسماعیل بود. گسترش و استمرار سازمان دعوت با مرکزیت «سلمیه» و فعالیت فراگیر داعیان در همین دوره بود.

د. دوره کشف که از ۲۸۶ق و با ادعای امامت عبیدالله (عبدالله) مهدی و اصلاحات دینی وی پدید آمد. (دفتری، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۶۶)

این پژوهش شکل‌گیری فرقه اسماعیلیه و سازمان دعوت اسماعیلی را در خصوص دو بند اول موضوع تحقیق بررسی می‌کند.

۱. پس از امام صادق علیه السلام شیعیان ایشان به شش گروه تقسیم شدند (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۴۱-۵۲ / طباطبائی، ۱۳۷۳، ص ۶۱) که از آن میان دو گروه از اسماعیلیه بودند. آنان معتقد بودند: امام صادق علیه السلام در زمان حیات خود، اسماعیل را به جانشینی برگزید و به نص ایشان امامت از آن اوست (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۶۹) و نص بر امامت رجوع ناپذیر

شهرستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۲) و بدها نیز محال است. (همدانی، ۱۳۵۶، ص ۹) به نظر می‌رسد که این گروه‌ها به عنوان طرفداران اسماعیل در زمانی پیش‌تر به وجود آمده بودند، اما تنها پس از رحلت امام صادق علیه السلام از شیعیان امامیه جدا شدند.

از این دو گروه، گروه اول که معتقد بودند اسماعیل از دنیا نرفته و حتی پس از پدر در بصره نیز مشاهده شده است. (قاضی نعمان، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۰۹ / قرشی، ۱۹۹۱، ص ۲۰۰-۲۰۱) معتقد به مهدویت اسماعیل بودند و نوبختی و قمی آنان را «الاسماعیلیة الخالصة» نام‌گذاری کرده، اضافه می‌کنند که آنان در اصل، همان «خطابیه»، یعنی معروف‌ترین غلات شیعی تحت رهبری ابوالخطاب بودند؛ (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۵۷-۵۹ / اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۸۰-۸۱) زیرا به نقل منابع، اسماعیل با شیعیان انقلابی و برخی غلات شیعه، به ویژه با خطابیه (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۳۲۵ / القرشی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۲۶-۳۲۷) و اشخاصی همانند مفضل بن عمر جعفی همکاری داشت. (نعمانی، بی‌تا، ص ۳۲۸)

امام صادق علیه السلام از همکاری اسماعیل با گروه‌های غلات و افراطی شیعی، از جمله: ابوالخطاب، که سیاست تقیة امام صادق علیه السلام را نمی‌پذیرفتند و می‌خواستند با ابزار نظامی، جنبش ضدعباسی راه بیندازند و تحت نام «اسماعیل» افکار انقلابی خود را وجهه شرعی دهند، ناراضی بود. (حسین، ۱۳۸۶، ص ۶۴) امام همواره اشخاصی را، که موجب گمراهی فرزندش می‌شدند لعن می‌کرد و سرانجام، ابوالخطاب را از پیروان شیعی خود در کوفه طرد نمود. (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۹۱-۲۹۲) شهرستانی این گروه را «الاسماعیلیة الواقفه» می‌نامد که اسماعیل را به عنوان آخرین امام خود پذیرفته بودند. (شهرستانی، بی‌تا، ص ۱۶۷-۱۶۸) این گروه معتقد بودند که امام صادق علیه السلام صرفاً برای حفظ جان اسماعیل از دست عمال عباسی، مرگ فرزند را اعلام نمود؛ زیرا عباسیان از برخی رفتار وی رنجیده خاطر شده بودند (دفتری، ۱۳۸۸، ص ۵۲) برخی منابع با طرح این دعوی، حتی اعلام امامت امام کاظم علیه السلام را نیز پوششی برای این اقدام قلمداد نمودند. (غالب، ۱۴۱۶ق، ص ۸۷-۸۸)

۲. دورهٔ محمد بن اسماعیل، فرزند ارشد اسماعیل و نوهٔ ارشد امام صادق علیه السلام که به نقل‌هایی در سال ۱۲۰ق و یا ۱۳۳ق در مدینه زاده شد. (قرشی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۵۱-۳۵۶) این گروه معتقد بودند که اسماعیل در دورهٔ امام صادق علیه السلام از دنیا رفته و بنابراین، سلسلهٔ امامت به فرزند ایشان محمد می‌رسد که «اسماعیلیه مبارکه» نام گرفتند. (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۶۸ / اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۸۰) بیشتر منابع معتقدند که اسماعیل در حیات امام صادق علیه السلام و در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۲ق و ۱۴۵ق درگذشته است. (قرشی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۳۲-۳۵۰ / مفید، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۹۲) به عقیدهٔ این گروه چون اسماعیل در روزگار پدرش امام بود، پس از وی امامت به برادرش موسی الکاظم نمی‌رسد؛ زیرا پس از امام حسن و امام حسین علیه السلام، امامت از برادر به برادر نمی‌رسد و امامت حق محمد بن اسماعیل است. (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۶۸ / اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۸۰)

در برخی منابع آمده که «مبارک» یکی از اسماء اسماعیل بن جعفر علیه السلام بوده (سجستانی، ۱۹۹۶، ص ۱۹۰) و یا برخی گفته‌اند که غلام اسماعیل بود و پس از مرگ اسماعیل، به همراه پیروان او از امامت محمد بن اسماعیل پیروی نمودند. آنان بدون تردید، اسماعیلیه نخستین بودند که بعدها توسط مؤلفان کتب فرق اسلامی، به ویژه نوبختی و قمی به نام «اسماعیلیه» خوانده شدند. (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۶۸-۶۹ / اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۸۰-۸۱)

محمد بن اسماعیل به عنوان امام پیروانش، پس از آنکه متوجه شد بسیاری از شیعیان مدینه به عموی او امام کاظم علیه السلام پیوسته‌اند این شهر را ترک گفت و به سمت شرق رفت. وی برای در امان ماندن از تعقیب بنی‌عباس اختفا گزید و به همین روی، او را «محمد المکتوم» نامیدند. این دوره، که در آن مرحلهٔ تازه‌ای از استمرار حیات اسماعیلیه شکل گرفت، به «دورهٔ ستر» مشهور شد. (دفتری، ۱۳۸۸، ص ۵۲)

وی ارتباط خود را با مبارکه، که پایگاهشان در کوفه بود، حفظ کرد. به نظر می‌رسد که او سال‌های آخر حیات خود را در خوزستان سپری کرده بود و با یک داعی ایرنی به نام

«حسین‌الاهوازی» و به همراهی او سلمیه را در شام پایگاه خود قرارداد. (دفتری، ۱۳۸۸، ص ۵۲ / حمدانی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴) در این شرایط، داعیان بزرگی همانند عبدالله بن میمون قدّاح در تداوم و پیشرفت سازمان دعوت از محمد بن اسماعیل حمایت جدی می‌کردند. البته وی با توجه به عمر طولانی‌اش، حامی سه تن از اعقاب محمد نیز بود. (حمدانی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴)

در دوره ستر، محمد و دیگر امامان اسماعیلی پس از وی مخفیانه در شهرها می‌گشتند و بر نشر دعوت نظارت می‌کردند و در همین حال داعیان‌شان به تبلیغ آیین اسماعیلی اشتغال داشتند. (شهرستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۲) رهبران اسماعیلی دستگاه تبلیغاتی نیرومندی ایجاد کردند و با طرح مهدویت محمد بن اسماعیل و ایجاد حکومت عدل به دست او، توجه و علاقه مردم ستم‌دیده و ناامید را به خود جلب نمودند و شمار زیادی از مردم جنوب عراق، بحرین، ایران، سوریه، مصر و دیار مغرب به دعوت آنان روی آوردند. (جویی، ۱۹۳۷، ج ۳، ص ۱۴۸ / کامل حسین، ۱۹۵۹، ص ۱۴-۱۷)

۲. عوامل پیدایش سازمان دعوت اسماعیلیه

الف. تلاش در جهت رسیدن به اهداف

از جمله مهم‌ترین اهداف امامان اسماعیلی و پیروان ایشان دستیابی به خلافت، رسیدن به قدرت و گسترش اصول عقاید خویش بود و این خود یکی از عوامل ضروری پیدایش سازمان دعوت به شمار می‌آمد. اسماعیلیان در جهت کسب مشروعیت و ترویج اصول عقاید خود، با قصد ترویج و رونق مذهب خویش و نیز دستیابی به بنیان‌های سیاسی و تشکیل حکومت، به اثبات جایگاه خویش در پیوند نسبی با خط امامت از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام تا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و سپس فرزند بزرگ وی اسماعیل و پس از او محمد بن اسماعیل برآمدند (اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۸۰) و استمرار آن را نیز در قالب اندیشه‌های اعتقادی و سیاسی تحت عنوان «شیعه اسماعیلی» ارائه نمودند. (فرمانیان، ۱۳۸۱، ص ۱۴۳-۱۴۴)

ب. اختناق و فشار سیاسی از سوی عباسیان

رویکرد شیعه در عهد امام باقر و امام صادق علیهما السلام صلح‌گرایانه بود. آنان برای تکامل اندیشه شیعه امامی در سایه اصل تقیه می‌کوشیدند. با تأسیس خلافت عباسی (۱۳۲ق) امامیه به رهبری امام صادق علیه السلام همین شیوه را در پیش گرفت، ولی دیگر گروه‌های علوی، همانند حسینیان و زیدیه با قصد رسیدن به مقام خلافت و رقابت با بنی‌عباس، دست به قیام‌های مسلحانه زدند.

در چنین شرایطی سیاست تقیه امام صادق علیه السلام گروهی از پیروانش را قانع نکرد و اقدامات آنان موجب شکاف در میان امامیه شد. تحریک‌کننده این جریان سیاسی ابوالخطاب بود. او ابتدا معتمد امام صادق علیه السلام بود، (حسین، ۱۳۸۶، ص ۶۴) ولی به لحاظ تندروی‌هایش امام او را طرد نمود. با این حال، ابوالخطاب در قیام نافرجام مسلحانه علیه بنی‌عباس در سال ۱۳۸ق از همکاری‌های اسماعیل نیز بهره برد. امام صادق علیه السلام ضمن مخالفت با این اقدامات و تبری جستن از ابوالخطاب، از گرایش فرزندش به این سیاست‌ها ناراضی بود. (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۷۰ / طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۹۷)

از یک سو، ادعای اسماعیلیه خطاییه درباره اعلام مرگ اسماعیل از سوی امام صادق علیه السلام، که تمهیدی برای حفظ او از سیاست عباسیانی بود که از فعالیت‌های سیاسی او رنجیده بودند، (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۷۰ / اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۸۳) حاکی از آن است که وی با برخی محافل سیاسی ضد عباسی همکاری می‌کرده است. (دفتری، ۱۳۸۸، ص ۵۲) از سوی دیگر، نشانگر سخت‌گیری‌های بنی‌عباس بر مخالفان عقیدتی و سیاسی خود به شمار می‌رود. پس از امام صادق علیه السلام محمد بن اسماعیل به علت فعالیت بر ضد دستگاه خلافت عباسی تحت تعقیب قرار گرفت. از این رو، وی و یاران نزدیکش برای رهایی از تعقیب عباسیان به فعالیت زیرزمینی روی آوردند. (شهرستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۲ / جوینی، ۱۹۳۷، ج ۳، ص ۱۴۸-۱۵۶)

ج. زمینه مساعد برای فعالیت

رهبران اسماعیلی از نیمه قرن دوم هجری به تدریج در سایه فعالیت‌های زیر زمینی و ارسال داعیان به نواحی گوناگون، سازمان دعوت خود را گسترش دادند. (اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۸۱-۸۳ / کامل حسین، ۱۹۵۹، ص ۱۴-۱۷) این در حالی بود که زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، به علل ذیل، ضرورتی برای ایجاد و توسعه سازمان دعوت فراهم آورده بود.

الف. قیام‌ها و حرکت‌های پی‌درپی گروه‌هایی از علویان و به موازات آن شورش‌هایی که به خون‌خواهی از ابومسلم صورت گرفت، شورش‌های خوارج و سپس صفاریان و زنگیان، نیروهای نظامی عباسی را تضعیف می‌کرد و حتی گاهی موجودیت خلافت را به چالش می‌کشید.

ب. نارضایتی‌های تدریجی از سیاست‌های استبدادی و سوء تدبیر عمال بنی‌عباس در سرزمین‌های گوناگون، منجر به اختلافات طبقاتی، بحران‌های اجتماعی و در نتیجه، ناآرامی‌هایی در شرق و غرب قلمرو عباسی گردید که پس از سیاست‌های سخت‌گیرانه منصور صورت پذیرفت و در دوره هارون‌الرشید خود را نشان داد. (طبری، ۱۹۸۶، ج ۸، ص ۲۵۱-۲۶۲ و ۴۱۴)

ج. سلطه همه‌جانبه و استبدادی ترکان در دوره دوم خلافت عباسی قدرت واقعی را از دست خلفای عباسی بیرون آورده بود.

د. خلفا تحت تأثیر فقیهان متعصب اهل سنت، با ترویج فلسفه و منطق و دیگر علوم عقلی مبارزه می‌کردند و در نتیجه، جهل و نادانی و تعصب به شدت رواج یافته بود.

ه. دستگاه خلافت، از شخص خلیفه تا سپاهیان عادی به فساد، عیاشی و رشوه‌خواری مشغول بودند. (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ص ۳۶۱)

و. دستگاه عظیم خلافت عباسی برای تأمین هزینه‌های گزاف و عیاشی‌های خلفا و درباریان، روز به روز بر میزان مالیات‌ها می‌افزود و در نتیجه، فقر، بیکاری و بحران‌های اجتماعی گسترش می‌یافت. (نوبختی، ۱۹۵۹، ص ۵۱ / برتلس، ۱۳۴۶، ص ۸۰-۸۱)

با توجه به چنین زمینه‌های مساعدی، سازمان دعوت اسماعیلی به صورت هدفمند، آگاهانه و محتاطانه، به انتشار فعالیت‌های تبلیغی، با وعده ظهور «مهدی» و برقراری عدالت و برابری اجتماعی، سعی می‌کرد توده‌های ستم‌دیده و ناراضی از حکومت عباسیان و دیگر رقبا را جذب کند. (دفتری، ۱۳۸۸، ص ۵۷)

د. فعالیت‌های تبلیغاتی رقبای داخلی

اسماعیلیه در آستانه ظهور خویش در میان هاشمیان رقبای بزرگی داشتند که هر کدام از نگاه خویش بنی‌عباس را غاصب حق خود می‌دانستند. بخش عمده جناح حسینیان در آستانه تشکیل خلافت عباسی، بر امامت محمد بن عبدالله (نفس زکیه) وحدت نظر داشتند. وی علاوه بر اینکه بنی‌عباس را غاصب حق خویش می‌دانست، (اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۴۰-۱۴۱ / ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ص ۱۱۹) با جناح امامیه نیز به نوعی در تقابل و رقابت بود. (قاضی نعمان، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۰۰) جناح مزبور پس از نفس زکیه (۱۴۵ق) به چند گروه تقسیم شدند و در نواحی گوناگون علیه بنی‌عباس قیام کردند. (ابن خلدون، ۱۳۷۴، ص ۲۰۰)

از سوی دیگر، جناح امامیه در آستانه ظهور اسماعیلیه، تحت رهبری امام صادق علیه السلام بود؛ در زمان کشمکش‌های متعدد رقابتی میان هاشمیان، اعم از حسینیان و عباسیان حتی پس از تشکیل دولت عباسی ادامه یافت. با این حال، امام صادق علیه السلام از درگیر شدن جدی با مسائل سیاسی زمان پرهیز کرد و این خود موجب گردید که شیعیان تندرو به شاخه‌های حسنی و قیام‌هایی همچون نفس زکیه بپیوندند. (یعقوبی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۶۵-۳۶۸)

در ادامه، گروه‌هایی که به امامت امام صادق علیه السلام قایل بودند، پس از ایشان در دو دسته کلی با سازمان‌دهی خویش اعلام موجودیت کردند: یکی اثناعشریه و دیگری اسماعیلیه. اثناعشریه با تأسیس سازمان «وکالت» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۶۰-۶۲) برای حفظ موجودیت، پلی ارتباطی میان امام و شیعیان برقرار نمود. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶، ص ۴۰) اسماعیلیه نیز با تشکیل سازمان «دعوت» زیرزمینی موسوم به «دوره امامان ستر» موضع سیاسی، عقیدتی و تبلیغاتی خویش را شکل دادند و به تدریج به عنوان یک مدعی در مقابل بنی‌عباس و دیگر رقبا خود را مطرح کردند.

ه. لزوم ارتباط با پیروان و انجام امور آنان

مناطق شیعه‌نشین از قرن دوم هجری به بعد، علاوه بر عراق، حجاز و یمن، به نواحی ایران، مصر و جاهای دیگر هم گسترش یافت. (محرّمی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶) بر این اساس، دعوت اسماعیلی به تدریج در طیفی رو به گسترش در عراق، بحرین، فارس، یمن، شام، خوزستان، سند، ری، ماوراء النهر و برخی نواحی دیگر پیروانی به دست آورد. (نویری، ۱۹۸۰-۱۹۹۲، ج ۲۵، ص ۱۸۹-۱۹۳ / دواداری، ۱۹۶۱، ج ۶، ص ۶۳-۶۶) بنابراین، ارتباط مستمر امام اسماعیلی با این نواحی متعدد، نیازمند تشکیل سازمان دعوت و کسب همکاری داعیان زبردست و معتمد بود تا بتواند ارتباط میان امام و پیروان را همواره برقرار سازد.

فشار سیاسی خلفای عباسی در مقابل مخالفان، مانع ارتباط معمول امام اسماعیلی و پیروان بود. بنابراین، پیدایش سازمان دعوت طی دوره ستر (مرحله پنهانی دعوت و فعالیت) با اختفای محمد بن اسماعیل ملقب به «المکتوم» (پنهان و غایب) آغاز شد. «دوره امامان غایب، پیوند مردم با امام از طریق «حجت»، که به لحاظ درجه ارشدیت در سلسله مراتب سازمان سری «الدعوه» پس از مقام امامت قرار داشت، هموار می‌شد. (قاضی نعمان، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷)

و. جمع‌آوری و توزیع منابع مالی

انگیزه‌های اقتصادی نیز موجب سرکوبی و اعمال فشار عباسیان علیه علویان گردید؛ زیرا امام صادق علیه السلام به جمع‌آوری خمس به صورت پنهانی از سوی پیروانش ادامه می‌داد (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۳۲۱-۳۲۲) و این اقدامی بود که عباسیان آن را به عنوان گامی در براندازی حکومت خود تلقی می‌کردند. از منظر اسماعیلیه امامت از اصول دین به شمار می‌آید و امام منصوب و معصوم است، (اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۸۰-۸۲ / قرشی، ۱۹۹۱م، ص ۲۹۲) جهاد در کنار او واجب است (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ص ۷۴-۷۵) و پرداخت خمس به او لازم، و موارد مصرف خمس، زکات و صدقه باید مطابق با تشخیص او باشد؛ (قاضی نعمان، ۱۹۶۵، ص ۲۸۸) زیرا امام برای هدایت جامعه و جلوگیری از گمراهی، آن را در مسیر غیر شرعی استفاده نمی‌کند. (کرمانی، حمیدالدین، ۱۴۱۶، ص ۷۴-۷۶)

لازمه استمرار جنبش اسماعیلی در نواحی گوناگون، از منظر اقتصادی، داشتن پشتوانه مالی قابل توجه بود. بدون تشکیلات مالی و اموال و ذخایری که این حرکت را از نظر اقتصادی حمایت کند، امکان دستیابی سریع به اهداف سیاسی منظور، غیرممکن به نظر می‌رسید. رهبران اسماعیلی سلمیه با شناخت این شرایط، از راه‌های گوناگون با جمع‌آوری اموال و ذخایر، پشتوانه اقتصادی خود را تقویت نمودند. منابع از اموال و ذخایر مالی عظیمی در نزد رهبران اسماعیلی گزارش داده و گفته‌اند که داعیان اموال را از شهرهای گوناگون جمع‌آوری کرده، نزد امام در سلمیه می‌فرستادند؛ (یمانی، ۱۹۳۶، ج ۴، ص ۵۱) چنان‌که در این باره آمده است: اموالی که پیروان اسماعیلی از نواحی گوناگون برای امام اسماعیلی می‌فرستادند کاملاً محرمانه به منطقه‌ای در اطراف شهر سلمیه انتقال داده می‌شد و شبانه اموال مزبور توسط نقبی که به منزل امام راه داشت منتقل می‌گردید. (قرشی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۴۰۴)

بررسی تطبیقی چگونگی شکل‌گیری و پیدایش سازمان‌های وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه

۱. وجوه اشتراک

۱. هر دو سازمان وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه بنا به شرایط، از جمله زمان و مکان، مراحل را سپری کردند و هر یک از پایه‌گذاران آنان با نقش محوری خود، سازمان‌های خود را پی‌ریزی کردند.

۲. سازمان‌های وکالت و دعوت با توسل به نوعی مبادی بنیادین برمبنای خط سیر امامت منصوص شیعه و پیوند دادن مشروعیت خویش با آن، کوشیدند به اقدامات و سیاست‌های خود رنگ مشروعیت ببخشند تا بتوانند در موقعیت بهتری به صیانت از عقاید خود و جذب پیروان بپردازند. البته امامیه برخلاف اسماعیلیه، به دنبال جذب پیرو از هر طریق ممکن نبود، هرچند به دور از سیاست‌های زمان، به گسترش و تداوم سازمان خود نظر داشت.

۳. هر دو سازمان وکالت و دعوت از پیوند وراثتی و ادعای امامت منصوص در شکل‌گیری سازمان‌های خود بهره بردند و با اظهار دلایلی ادعای برحق بودن داشتند و حکومت‌های زمان را غاصب حق خویش می‌دانستند.

۴. در چگونگی شکل‌گیری هریک از سازمان‌های وکالت و دعوت و مؤسس آنها اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ از جمله اینکه برخی نویسندگان امام صادق علیه السلام و یا امام کاظم علیه السلام را مؤسس سازمان وکالت دانسته‌اند و برخی پیروان اسماعیلیه، اسماعیل و یا فرزند او محمد را مؤسس اسماعیلیه قلمداد نموده‌اند؛ البته با این تفاوت که بنا به دریافت شواهد تاریخی، امام صادق علیه السلام بنیانگذار سازمان وکالت شیعه و امام کاظم علیه السلام گسترش‌دهنده آن بوده است. در خصوص اسماعیلیه باید گفت: اسماعیل آغازگر تفکر سیاسی مخالفت با حکومت‌های زمان بود، وگرنه در شکل‌گیری سازمان دعوت، به عنوان یک سازمان مشخص شده، باید محمد بن اسماعیل را بانی سازمان دعوت اسماعیلی برشمرد. بنابراین، سازمان‌های وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه سازمان‌هایی تأسیسی بودند که توسط امام صادق علیه السلام و محمد بن اسماعیل ایجاد شدند.

۵. تقیه (پنهان‌کاری) از اصول مشترک سازمان‌های وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه و دارای جنبه‌های سیاسی و اعتقادی برای جلوگیری از نابودی توسط حکومت‌های وقت بوده است. می‌توان گفت که سابقه آن در میان هردو گروه به عنوان اصلی از ایمان شیعی و به سبب نیازهای زمان به دوره امام صادق علیه السلام برمی‌گردد. پس از انشعابات مذهبی میان امامیه و اسماعیلیه هرکدام تقیه را به عنوان یکی از مبانی مهم حفظ امام و سازمان خود دنبال کردند. داعیان دعوت اسماعیلی برای حفظ امام از مخالفان و دشمنان اسم حقیقی او را مخفی نگه می‌داشتند و از اسم مستعار استفاده می‌کردند. اما در سازمان وکالت حفظ آیین راستین ائمه اطهار علیهم السلام و پیروان آنان از وضعیت سختی که حاکمان زمان ایجاد کرده و عرصه را بر هرگونه فعالیت علنی بسته بودند، اهمیت داشت. به همین دلیل فعالیت پنهانی و تقیه برای حفظ عقیده در سازمان وکالت مهم بود، به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام تقیه را برابر ایمان و لازمه دین عنوان کرد.

۶. عصر امام صادق علیه السلام دوران پر التهاب رقبای مختلف و جناح‌بندی‌های شیعه زیدیه، حسنینان، عباسیان، غالیان و دیگران بود و هر کدام تلاش می‌کردند از نام و عنوان اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله برای خود خلق موقعیت کنند. بنابراین، در میان این ناهنجاری‌ها، تعارضات و تندی‌ها، امام صادق علیه السلام برای بقای امامیه و حفظ و استمرار معارف اهل‌بیت علیهم السلام و گسترش عقاید و آرمان‌های ایشان سازمان «وکالت» شیعه را بنیان گذاشت. از سوی دیگر، اسماعیلیه پس از امام صادق علیه السلام به عنوان یک انشعاب جدید با نپذیرفتن تداوم خط سیر امامیه در امام موسی کاظم علیه السلام، سازمان «دعوت» را تشکیل دادند تا بتوانند با جذب پیروان، در کنار حفظ اصول عقاید خود به اهداف سیاسی و رسیدن به خلافت نیز بیندیشند.

۷. از جمله اهداف امامیه در شکل‌گیری سازمان وکالت ایجاد ارتباط میان امام و پیروان، پاسخ‌گویی به نیازهای شرعی، استمرار معارف اهل‌بیت و روابط مالی بود، هرچند در بطن کار خود به اهداف سیاسی نیز توجه داشتند، لیکن تا آماده شدن زمینه برای ایجاد حکومت عدل قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، اهداف اسماعیلیه نیز در تشکیل سازمان دعوت جذب پیروان، دستیابی به قدرت و خلافت و نیز گسترش اصول عقاید خود بود. البته هر دو گروه برای حفظ خود از حکومت‌های زمان، محتاطانه و با تأکید بر روش زیرزمینی و پنهان‌کاری اقدام می‌کردند.

۸. بنا به تأیید نظر منابع، امام صادق علیه السلام مؤسس سازمان وکالت امامیه و محمد بن اسماعیل مؤسس سازمان دعوت اسماعیلیه بوده‌اند. بر این اساس، سازمان وکالت امامیه نسبت به سازمان دعوت اسماعیلیه تقدم زمانی داشته است؛ زیرا محمد بن اسماعیل مدعی امامت و جانشینی پدرش اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام بود. وی برای حفظ خود و پیروانش در مقابل عباسیان، همانند امامیه توجه آکید به اصل تقیه و فعالیت‌های سرّی داشت. بنابراین، به نظر می‌رسد که در تأسیس سازمان دعوت از طرح و اصول سازمان وکالت امامیه اقتباس شده، هرچند منبع و یا شواهدی دال بر این اقتباس و یا تأثیر پیدا نشده است.

۹. سازمان‌های وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه هرکدام مراکز، پایگاه‌ها، وکلا و داعیانی داشتند که در ارتباط با امام سازمان و بنا به اهداف و اصول سازمانی خود فعالیت می‌کردند. برای مثال، مرکز شکل‌گیری سازمان وکالت امامیه از مدینه، محل زندگی مؤسس آن، امام صادق علیه السلام آغاز شد و ایشان با مساعدت وکلایی همچون حمران بن اعین، معلی بن خنیس و عبدالرحمن بن حجاج ارتباط خود را با شیعیان دیگر نواحی، از جمله عراق، ایران و مصر برقرار کرد. از سوی دیگر، هرچند محل ولادت محمد بن اسماعیل مدینه بود، ولی با مشخص شدن جانشینی امام کاظم علیه السلام وی آن شهر را ترک کرد و به نواحی غربی خوزستان و سپس به سلمیه در شام رفت و آنجا را مرکز دعوت اسماعیلی قرار داد و با همکاری داعیانی همچون حسین الاهوازی، عبدالله بن میمون قدّاح، اسماعیلیان مبارکه در کوفه و نواحی دیگر به گسترش سازمان دعوت در نواحی عراق و شامات و در دوران جانشینان وی به یمن و شمال آفریقا پرداختند.

۱۰. سازمان وکالت امامیه بر پایه تشکیلات مخفیانه، در دوران موجودیت خود از عهد امام صادق علیه السلام تا پایان غیبت صغرا، برای اصلاح جامعه، ترویج اصول عقاید و فراهم نمودن زمینه برای ایجاد حکومت عدل با محوریت امام، نقشی ارزنده ایفا کرد. سازمان دعوت اسماعیلیه نیز بر پایه تشکیلات مخفیانه از دوره محمد بن اسماعیل در جهت اهداف و ترویج اصول عقاید و سیاست‌های خود بنیان نهاده شد و از عهد عبدالله اکبر به صورت آشکارتری با برنامه و اهداف تشکیل حکومت به فعالیت خود ادامه داد و سرانجام، در دوره عبیدالله مهدی در برابر عباسیان، دولت فاطمی را تشکیل داد.

۱۱. ائمه اطهار علیهم السلام چه در دوره بنی‌امیه و چه بنی‌عباس تحت فشار سیاسی بودند و به ویژه از عهد علی بن الحسین علیه السلام با تقیه به فعالیت‌های خود ادامه دادند. دوره امام صادق علیه السلام، که دوره انتقالی حکومت از بنی‌امیه به بنی‌عباس بود، تا حدی فضا برای ایشان در ارتباط با پیروان و تربیت شاگردان باز شد، اما؛ پیش‌بینی امام علیه السلام مبنی بر روی کار آمدن عباسیان و شناختی که ایشان از اهداف و سیاست‌های آنان داشت و برای رویارویی با

سیاست‌های نظارتی و سخت‌گیرانه آنان - که در دوره استقرار از خود نشان دادند - سازمان وکالت را تشکیل داد.

در دوره امام صادق علیه السلام، سیاست تقیّه ایشان برخی از پیروانش، از جمله ابوالخطاب را راضی نکرد و او به قیام مسلحانه علیه بنی‌عباس روی آورد و از همکاری اسماعیل نیز بهره برد؛ اما امام علیه السلام از اقدامات او و گرایش فرزندش به این سیاست‌ها ناراضی بود. سخت‌گیری و حساسیت عباسیان نسبت به این گونه فعالیت‌ها موجب شد پس از امام صادق علیه السلام محمد بن اسماعیل با انشعاب از امامیه و استمرار سیاست‌های اسماعیلیه در قالب فعالیت‌های سرّی، دست به تأسیس سازمان دعوت بزنند.

۱۲. در زمان ائمه معصومین علیهم السلام قبل از امام صادق علیه السلام به علت سخت‌گیری بنی‌امیه و تعداد کم شیعیان اعتقادی و فقر مالی آنان شرایط برای تأسیس سازمان وکالت فراهم نشد، ولی از زمان امام صادق علیه السلام، هم به لحاظ دوره انتقالی بنی‌امیه به بنی‌عباس و هم افزایش شمار شیعیان و هم مشخص شدن موضع امامیه در مقابل دیگر رقبا تا قبل از استقرار خلافت عباسی (آغاز خلافت منصور) زمینه مساعدی فراهم شد تا امام علیه السلام سازمان وکالت را تأسیس کند.

در سوی دیگر، با توجه به قیام‌های متعدد علویان علیه بنی‌عباس و نارضایتی از سیاست‌های استبدادی آنان، ایجاد بحران‌های اجتماعی و همچنین اختلافات و انشعابات شیعه پس از امام صادق علیه السلام، محمد بن اسماعیل و پیروانش، که انگیزه‌های سیاسی خود را در مقابل بنی‌عباس و دیگر رقبا دنبال می‌کردند، زمینه مساعدی برای تشکیل سازمان دعوت به وجود آمد.

۱۳. جمعیت شیعه در قرن اول هجری محدود به برخی نواحی عراق، حجاز و یمن بود، ولی از قرن دوم هجری، به ویژه دوره امام صادق علیه السلام به بعد، تشیع در نواحی ایران، شمال آفریقا، ماوراءالنهر و برخی دیگر نواحی سرزمین‌های مسلمان‌نشین گسترش یافت. بنابراین، امام صادق علیه السلام برای ارتباط بیشتر و بهتر با پیروان و رسیدگی به امور آنان، سازمان وکالت را بنیان نهاد.

اسماعیلیه نیز با گسترش مناطق شیعه‌نشین و شرایطی که پس از امام صادق علیه السلام برایشان پیش آمد، در عین نظارت و سخت‌گیری‌های عباسیان نسبت به فعالیت‌های سیاسی مخالفان، سازمان دعوت را با هدف جذب حداکثری پیروان، ارتباط بهتر با آنان و انجام امور سازمان و پیروان در قالب فعالیت‌های سرّی ایجاد کردند.

۱۴. با گسترش تشیع در عهد امام صادق علیه السلام، هم منابع مالی و هم نیازهای مالی افزایش یافت. بنابراین، در مقابل نظارت عباسیان لازم بود که سازمانی مخفی برای دریافت و توزیع منابع مالی از سوی امام علیه السلام ایجاد شود که اقدامات ارتباطی میان ایشان و پیروان را فراهم آورد. بدین روی، یکی از علل مهم ایجاد سازمان دعوت هموار نمودن شبکه‌ای مخفی و منظم برای جمع‌آوری منابع مالی از جمله خمس و دیگر وجوهات شرعی و دیگر مساعدت‌ها بود. اسماعیلیه نیز در قالب یک جنبش، از منظر اقتصادی نیاز به پشتوانه مالی داشت. امامان اسماعیلی نیز در چارچوب سازمان دعوت و از طریق داعیان خود در نواحی گوناگون، کمک‌های مالی پیروان را دریافت می‌کردند و همانند امامیه مدعی امامت منصوص بودند و از پیروان خمس و دیگر وجوهات شرعی دریافت می‌کردند.

۱۵. اندیشه «مهدویت» و آرمان تشکیل حکومت اسلامی، که در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام وجود داشت، یکی از اصول مهم سیاسی - اعتقادی امامیه بود. سازمان وکالت امامیه نیز در پرتو اهداف امامان معصوم علیهم السلام چنین آرمانی را دنبال می‌کرد و برای فراهم ساختن حکومت عدل مهدوی معتقد به اصلاح ساختار قدرت و بیرون آوردن آن از دست غاصبان و طاغیان بود. اندیشه مهدویت و اهداف تشکیل حکومت اسلامی در عقاید، افکار و تبلیغات سازمان دعوت اسماعیلی نیز در کانون توجه بود. بر همین اساس، محمد بن اسماعیل، ملقب به «المکتوم» در دوران ستر، از دیدگاه اسماعیلیان نخستین مهدی آمال آنان بود.

۲. وجوه افتراق

۱. سازمان وکالت امامیه پس از امام صادق علیه السلام به امام موسی کاظم علیه السلام و امامان پس از ایشان منتقل شد. علاوه بر آن، برخی از وکلای امام صادق علیه السلام فعالیت خود را در دوره امام کاظم علیه السلام ادامه دادند که این خود می‌تواند مبین اصالت خط سیر امامت شیعه در امامیه باشد، در صورتی که اسماعیلیه از زمان محمد بن اسماعیل و پس از امام صادق علیه السلام با ایجاد سازمان دعوت، خود را از خط سیر امامیه جدا نمودند و دست به انشعاب جدید مذهبی زدند و اهداف و سیاست‌های خود را دنبال کردند.

۲. در سازمان وکالت شیعه تعیین وکیلان بر اساس پراکندگی و شمار شیعیان در مناطق شیعه‌نشین بود، در صورتی که اسماعیلیه با ایجاد سازمان دعوت و با اهداف سیاسی آشکارتر و جذب حداکثری پیروان، داعیان خود را به نواحی دور از مرکز خلافت عباسی، از جمله شام، یمن و در ادامه، شمال آفریقا فرستادند.

۳. می‌توان گفت: سازمان وکالت امامیه، که خط سیر و اهداف مؤسس آن (امام صادق علیه السلام) را تا پایان عصر غیبت صغرا ادامه دادند، نسبت به دعوت اسماعیلیه، اصالت و مشروعیت بیشتری داشت. محمد بن اسماعیل خود را از مسیر سازمان ایجاد شده توسط امام صادق علیه السلام جدا نمود و به تأسیس سازمان دیگری با اهداف و فعالیت‌های جدید دست زد. وی با ادعای جانشینی پدر خود، اسماعیل، و به تبع آن، پدر بزرگش امام صادق علیه السلام در پی اثبات مشروعیت خود بود.

۴. با توجه به نظارت و حساسیت حکومت‌ها پس از شهادت امام حسین علیه السلام، ائمه اطهار علیهم السلام برای صیانت از میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام، اساس تشیع، حفظ پیروان و معارف اهل بیت علیهم السلام، تقیه را به عنوان یکی از اصول اعتقادی خود برگزیدند. امام صادق علیه السلام با توجه به افزایش پیروان تشیع و اقتضای زمان، سازمان وکالت را بر پایه اصل تقیه و با هدف تسهیل ارتباط با پیروان تأسیس کردند و این رویه در میان امامیه تا پایان غیبت صغرا ادامه یافت.

اما اسماعیلیه در مرحله ستر و تشکیل سازمان دعوت، به تقیه توجه داشتند، ولی با آغاز دوره کشف، نشان دادند که تقیه برای آنان اصل نیست، بلکه وسیله‌ای در جهت اهدافشان است.

۵. یکی از اهداف مهم سازمان وکالت ایجاد شرایط برای زمینه‌سازی عصر غیبت بود. امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام توجه داشتند که سازمان وکالت با نقش محوری ائمه اطهار علیهم السلام می‌تواند در آینده مرجع رسیدگی امور شیعیان باشد؛ زیرا بر پایه اصل تقیه و شبکه سری وکالت، که از طریق وکیلان ارتباط میان امام و پیروان را هموار می‌کرد و تا پایان غیبت صغرا ادامه یافت، هر قدر زمان غیبت نزدیک‌تر می‌شد شرایط حضور امامان معصوم علیهم السلام در انظار و یا ارتباط مستقیم با ایشان کمتر می‌گردید و تنها از طریق وکلای ارشد و ابواب با پیروان در ارتباط بودند.

ولی اسماعیلیه هرچند در ابتدا القاب «مکتوم»، «مستقر»، «مستودع» و «مهدی» برای امامان خود قایل بودند، پس از گذر از مرحله ستر، با اعلام ظهور عبیدالله مهدی با این لقب و عنوان، خود را مهدی منتظر خطاب نمود. آنان برخلاف امامیه، که تشکیلات وکالت را یکی از عوامل مهم زمینه‌سازی غیبت می‌دانستند، با استمرار سازمان دعوت، زمینه را برای دوران کشف و ظهور و دستیابی به خلافت فراهم کردند.

۶. شکل‌گیری سازمان‌های وکالت امامیه و دعوت اسماعیلیه تفاوت دیگری نیز در انگیزه و اهداف پیدایش داشتند؛ از جمله اینکه امامیه به پیروی از عقاید و سیاست‌های امامان شیعه علیهم السلام با توجه به قوانین اسلام، به اهداف سازمان وکالت پایبند بودند؛ زیرا از منظر آنان قدرت زمانی اهمیت دارد که مشروع و در خدمت مفاهیم دینی باشد. از این رو، پیروزی با قهر و غلبه معنایی نداشت.

اسماعیلیه با استفاده از جایگاه مذهبی علویان به عنوان مصادیق اهل بیت علیهم السلام، شعار مهدویت، طلب همکاری از مخالفان متعدد قومی، نژادی، عقیدتی و سیاسی علیه دولت عباسی و با پوشش تبلیغات عامه‌پسند و در عین حال، با تسامح در مقابل مخاطبان، برای جذب حداکثری پیروان می‌کوشیدند.

۷. سازمان وکالت شیعه در عصر حضور امامان هدایت علیهم‌السلام با هدف حفظ موقعیت آنان، شیعیان و نگرهبانی از معارف اصیل دین، با تأکید بر اصل تقیه تشکیل شد که با اطاعت از خط اصیل امامت، زمینه را برای دوران غیبت فراهم کرد. ولی اسماعیلیه با ایجاد سازمان دعوت در پوشش دوره ستر و مخفی نگه‌داشتن هویت امامان خود با عناوین «مکتوم»، «مستقر» و «مستودع»، کار را ادامه دادند و تداوم روزافزون اقدامات سیاسی آنان زمینه تحقق دوران کشف را با هدف دستیابی به حکومت و خلافت فراهم آورد. در چنین شرایطی، حتی امامان دوران کشف برای خود القاب «مهدی» و «قائم» را برگزیدند تا بتوانند به تثبیت، استقرار و اقتدار حکومت خود و جذب مستمر پیروان و گسترش قلمرو حکومتی خود در برابر عباسیان پردازند.

جمع‌بندی و نتیجه

بررسی تطبیقی هر دو سازمان «وکالت» و «دعوت» حاکی از آن است که وجوه اشتراک و افتراقی در مراحل شکل‌گیری و پیدایش میان آنان وجود دارد؛ از جمله وجوه اشتراک این سازمان‌ها آن است که پایه‌گذارانی داشتند (امام صادق علیه‌السلام و محمد بن اسماعیل) که در بستر تاریخی مناسب و با نقش محوری «امام» بنیان گذاشته شدند. آنان مراکز، پایگاه‌ها، وکیلان و داعیانی داشتند که در چارچوب وظایف سازمانی خود فعالیت می‌کردند. هر دو سازمان با انتساب وراثتی خود به خط سیر امامت منصوص شیعه و پیوند دادن مشروعیت خود بر مبنای آن، بر اصالت مشروعیت خویش تأکید داشتند و بر این اساس، حکومت‌های زمان را غاصب حق خود می‌دانستند. البته هر دو سازمان برای دستیابی به حقوق و اهداف، اختلاف دیدگاه داشتند، به گونه‌ای که دعوت اسماعیلیه با نقش سیاسی و عملیاتی آشکارتر و جذب پیروان از طیف‌های گوناگون و هر طریق، اهداف و عقاید خود را دنبال می‌کرد، ولی سازمان وکالت به هدایت شیعیان و اصلاح امور آنان، نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام و زمینه‌سازی غیبت توجه داشت.

امامیه و اسماعیلیه برای حفظ خود و پیروانشان در مقابل خلفای عباسی بر اصل «تقیه» تأکید داشتند و محتاطانه و به دور از جناح‌بندی‌های سیاسی اوایل دوره عباسی -

هرچند اسماعیلیه در آغاز کار و مقطعی کوتاه گرفتار فعالیت سیاسی شدند - و زمینه‌های مساعدی فراهم شد، سازمان‌های «وکالت» و «دعوت» را ایجاد کردند.

از جمله عوامل بقای هردو سازمان و استمرار فعالیت‌هایشان جمع‌آوری منابع مالی بود. همچنین اندیشه «مهدویت» و تشکیل حکومت اسلامی از اصول اعتقادی هردو سازمان به شمار می‌آمد که البته امامیه معتقد بودند زمانی فراهم می‌شود که ساختار قدرت از دست طاغیان و ظالمان درآید؛ اما اسماعیلیه در دوره ستر، محمد بن اسماعیل را مهدی آمل خود می‌دانستند و در دوره کشف، عبیدالله مهدی با عنوان «مهدی» برای جذب توده‌های ناراضی و افزودنی پیروان و تشکیل حکومت تلاش می‌کرد.

سازمان‌های مزبور وجوه افتراق و تمایزی هم داشتند. هرچند هردو سازمان تأسیسی بودند، ولی محمد بن اسماعیل با تأسیس سازمان «دعوت» و نپذیرفتن خط سیر امامت در امام موسی کاظم علیه السلام پس از رحلت امام صادق علیه السلام به نوعی خود را از مسیر امامیه و سازمان وکالت جدا نمود و اهداف و سیاست‌های سازمانی خود را دنبال کرد. سازمان وکالت از بدو تأسیس تا زمان خاتمه، یعنی پایان غیبت صغرا بر اصول و اهداف خود، از جمله تقیه، هدایت اعتقادی و سیاسی پیروان، زمینه‌سازی غیبت و دیگر اهداف پاینده باقی ماند. ولی اسماعیلیه سیاست‌هایی را که در دوران ستر (از جمله: تقیه و مهدویت محمد بن اسماعیل) داشت در دوران کشف تغییر دادند. با اصلاحات دینی و سیاسی، عبیدالله مهدی با کوشش برای به دست آوردن خلافت و آشکار کردن سیاست‌های خود، روند جدیدی در سازمان دعوت ایجاد کرد، هرچند در همان دوران ستر، با تلاش برای جذب حداکثری پیروان، نقش سیاسی آشکارتری را به نمایش گذاشتند.

سازمان‌های «وکالت» و «دعوت» هر کدام در چارچوب اهداف و اصول تأسیس خود بر فضای عقیدتی، اجتماعی و سیاسی زمان خود تأثیر گذاشتند و کعبه آمل و آرزوهای پیروان خود قرار گرفتند و بر همین اساس بود که بر اساس اصل «تقیه» و به صورت زیرزمینی برای حفظ موقعیت و رسیدن به اهداف خود فعالیت می‌کردند و البته - چنان که در این نوشتار دیدیم - در باب اهداف تأسیس و برنامه‌ها، وجوه تمایز و تفاوت دیدگاه‌هایی هم داشتند.

منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن محمد، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۴.
۲. ابن شهر آشوب، رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن طقطقی، محمد بن علی، الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیه، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت، دارالقلم العربی، ۱۴۱۸.
۴. ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۶. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۷. امین، احمد، ضحی الاسلام، قاهره، مکتبه النهضة المصریه، ۱۹۵۶م.
۸. برتلس، اندره یوگنی، ناصر خسرو و اسماعیلیان، ترجمه آرین پور، تهران، بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۴۶.
۹. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، توحید، ۱۳۷۹.
۱۰. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۱۱. جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۲. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم، انصاریان، ۱۳۷۹.
۱۳. جوینی، عظاملک، تاریخ جهانگشای جوینی، به کوشش محمد قزوینی، لیدن، ۱۹۳۷.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق.
۱۵. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.

۱۶. حمدانی، عباس، اسماعیلیان در تاریخ، قسمت دولت فاطمیان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۶۸.
۱۷. دفتری، فرهاد، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۸.
۱۸. دواداری، ابوبکر بن عبدالله، کنز الدرر و جامع الغرر، السادس «الدرة المضيئة في الاخبار الدولة الفاطمية»، تحقیق صلاح‌الدین منجد، قاهره، الدراسات الاسلامیه، ۱۹۶۱م.
۱۹. سجستانی، ابویعقوب اسحاق بن احمد، اثبات النبوات، تصحیح عارف نامر، بیروت، بی‌نا، ۱۹۹۶.
۲۰. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق محمدسید گیلانی، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۲۱. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹.
۲۲. طباطبائی، محمدحسین، شیعه در اسلام، قم، اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۶.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، تصحیح مصطفوی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۸.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۲۶. _____، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۲۷. _____، کتاب الغیبه، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷.
۲۸. عاملی، جعفر مرتضی، دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹.
۲۹. غالب، مصطفی، الحركة الباطنیة فی الاسلام، بیروت، دارالاندلس، ۱۴۱۶.
۳۰. فرمانیان، مهدی، اسماعیلیه (مجموعه مقالات)، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.
۳۱. قاضی نعمان، ابوحنیفه محمد، تأویل الدعائم، قاهره، دارالمعارف، بی‌تا.
۳۲. _____، دعائم الاسلام، تحقیق ع. ا. فیضی، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۵.
۳۳. _____، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، تحقیق محمد حسینی حلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲.

۳۴. قرشی، ادريس عمادالدين، **زهر المعاني**، تقديم و تحقيق مصطفى غالب، بيروت، مؤسسة الجامعة للدراسات و النشر و التوزيع، ۱۹۹۱م.
۳۵. _____، **عيون الاخبار و فنون الآثار**، تحقيق مصطفى غالب، بيروت، دارالاندلس، ۱۴۰۶.
۳۶. كامل حسين، محمد، **طائفة الاسماعيلية تاريخها نظمها عقايدها**، قاهره، مكتبة النهضة العربية، ۱۹۵۹.
۳۷. کرمانی، حمیدالدين، **المصابيح في اثبات الامامه**، تحقيق مصطفى غالب، بيروت، دارالمنتظر، ۱۴۱۶.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **الاصول الكافي**، تصحيح على أكبر غفّاری، بيروت، دارصعب، ۱۴۰۱.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴.
۴۰. محرمی، غلامحسين، **تاريخ تشيع از آغاز تا پايان غيبت صغرى**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني، ۱۳۸۶.
۴۱. مدرس طباطبائی، سيدحسين، **مکتب در فرايند تکامل**، ترجمه هاشم ايزدپناه، تهران، کوير، ۱۳۹۵.
۴۲. مسعودی، علی بن حسين، **اثبات الوصية للامام على بن ابى طالب**، نجف، مطبعة الحيدريه، ۱۳۷۳ق.
۴۳. _____، **مروج الذهب و معادن الجوهر**، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران، علمی و فرهنگي، ۱۳۷۰.
۴۴. مظفر، محمدحسين، **تاريخ شيعه**، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۶۸.
۴۵. مفيد، محمد بن محمد، **الارشاد في معرفه حجج الله على العباد**، ترجمه سيدهاشم رسولي محلّاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۸۶.
۴۶. نجاشی، احمد بن علی، **رجال الجاشی**، تحقيق موسى شبيري زنجاني، قم، اسلامي، ۱۴۰۷.
۴۷. نعمانی، محمد بن ابراهيم، **الغيبه**، تحقيق على أكبر غفّاری، تهران، مكتبة الصدوق، بی تا.
۴۸. نوبختی، ابوالحسن حسن بن موسى، **فرق الشيعه**، نجف، بی تا، ۱۹۵۹.
۴۹. نوری، ميرزا حسين، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق.
۵۰. نویری، شهابالدين احمد، **نهاية الارب في فنون الادب**، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲-۱۹۸۰.
۵۲. نیشابوری، احمد بن ابراهيم، **اثبات الامامه**، تحقيق مصطفى غالب، بيروت، دارالاندلس، ۱۴۱۶.

۵۲. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، **جامع التواریخ** (قسمت اسماعیلیان و نزاریان و داعیان و رفیقان)، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس زنجانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.

۵۳. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

۵۴. یمانی، محمد بن محمد، **سیره الحاجب جعفر**، تصحیح ایوانف، قاهره، مجلة كلية الآداب بالجامعة المصرية، ۱۹۳۶.